

کتاب

مثنوی معنوی

تألیف

جلال الدین محمد بن محمد بن الحسین البلخی ثم الرومی

دفتر اول

براساس نسخه‌ی

رینولد الین نیکلسون

چاپ ۱۹۲۹ چاپخانه‌ی بریل، در لیدن هلند



انتشارات کاروان

www.caravan.ir

مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق
مثنوی معنوی (براساس نسخه‌ی نیکلسون) / مولانا جلال‌الدین محمد
بلخی (مولوی). -- تهران: کاروان، ۱۳۸۶.
ج ۱

ISBN 978-964-8497-63-2 (دوره)

ISBN 978-964-8497-51-9 (ج. ۱)

ISBN 978-964-8497-64-9 (ج. ۲)

ISBN 978-964-8497-96-5 (ج. ۳)

ISBN 978-964-8497-69-4 (ج. ۴)

ISBN 978-964-8497-68-7 (ج. ۵)

ISBN 978-964-8497-70-0 (ج. ۶)

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات قیفا.

ص.ع. به انگلیسی: The Mathnawi of Jalāl'uddīn Rūmī

۱. شمر فارسی -- قرن ۷ ق. الف. نیکلسون، رینولد البین؛

۱۸۶۸-۱۹۴۵، Nicholson, Reynold Alleyne، مصحح، ب. عنوان.

۸۶۱/۳۱

PIR۵۲۹۸

۱۳۸۵

۸۵-۱۵۷۱-۰

کتابخانه ملی ایران



انتشارات کاروان

مثنوی معنوی

(دفتر اول)

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (مولوی)

(براساس نسخه‌ی رینولد الین نیکلسون)

(مجموعه‌ی میراث)

The mathnawi of
Jalāl'uddīn Rūmī

چاپ اول ۱۳۸۶

صفحه‌آرایی سارا محسن‌پور

طراحی جلد آتیه کاروان

نمونه‌خوانی سپیده شاهی

لیتوگرافی همپو

چاپ چهل چاپ

۵۰۰۰ نسخه

تمام حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

شابک: 978-964-8497-51-9

شابک دوره: 978-964-8497-63-2

مرکز پخش: کاروان - ۸۸۰۰۷۴۲۱

تهران - صندوق پستی ۱۴۱۴۵-۱۸۶

email: info@caravan.ir

website: www.caravan.ir

- ۱۹ حکایت عاشق شدن پادشاهی بر کنیزکی و خریدن پادشاه کنیزک را.....
- ۲۰ ظاهر شدن عیجز حکیمان از ممالجه کنیزک بر پادشاه و روی آوردن پادشاه به (....).....
- ۲۱ از خداوند ولی التوفیق درخواستن توفیق رعایت ادب در همه حال ها و (....).....
- ۲۲ ملاقات پادشاه با آن طبیب الهی که در خوابش بشاوت داده بودند به (....).....
- ۲۳ بردن پادشاه آن طبیب را بر سر پیکر تا حال او را ببینند.....
- ۲۴ خلوت طلبیدن آن ولی از پادشاه با کنیزک جهت دریافتن رنج کنیزک.....
- ۲۵ دریافتن آن ولی رنج را و عرض کردن رنج او را پیش پادشاه.....
- ۲۶ فرستادن پادشاه رسولان به سرقت به آوردن زرگر.....
- ۲۷ بیان آنکه کشتن و زهر دادن مرد زرگر به اشارت الهی بوده به (....).....
- ۲۸ حکایت مرد بغال و طوطی و روغن ریختن طوطی در دکان.....
- ۲۹ داستان آن پادشاه بجهود که نصرانیان را می کشت از بهر تعصب.....
- ۳۰ آموختن وزیر مکر پادشاه را.....
- ۳۱ تلبیس وزیر با نصارا.....
- ۳۲ قبول کردن نصارا مکر وزیر را.....
- ۳۳ متابعت کردن نصارا وزیر را.....
- ۳۴ قصه دیدن خلیفه لیلی را.....
- ۳۵ بیان حمید وزیر.....
- ۳۶ فهم کردن حاذقان نصارا مکر وزیر را.....
- ۳۷ پنهان شدن پنهان مر وزیر را.....
- ۳۸ بیان دوازده سیط از نصارا.....
- ۳۹ تخطیط وزیر در احکام انجیل.....
- ۴۰ بیان آنکه این اختلاف دو صورت روش است فی در حقیقت راه.....
- ۴۱ بیان خسارت وزیر در این مکر.....

- ۴۶ مکر دیگر انگبختن وزیر در اِضلال قوم
- ۴۷ دفع گفتن وزیر مریدان را
- ۴۷ مکر کردن مریدان که خلوت و آبشکن
- ۴۸ جواب گفتن وزیر که خلوت و امنی شکستم
- ۴۸ اعتراض مریدان بر خلوت وزیر
- ۵۱ نومید کردن وزیر مریدان را از رَفَضِ خلوت
- ۵۱ ولی عهد ساختن وزیر هر یک امیر را جدا جدا
- ۵۲ کشتن وزیر خویش را در خلوت
- ۵۲ طلب کردن اَمْتِ عیسی علیه السلام از امرا که ولی عهد از شما کدامست
- ۵۴ نازعت امرا در ولی عهدی
- ۵۵ تعظیم نعتِ مُصطفی علیه السلام که مذکور بود در انجیل
- ۵۶ حکایت پادشاهِ جهود دیگر که در هلاک دین عیسی سعی می نمود
- ۵۸ آتش کردن پادشاهِ جهود و بیت نهادن پهلوی آتش که هر که این بت را سجود (...)
- ۵۸ به سخن آمدن طفل در میان آتش و تعریض کردن خلق را در افتادن به آتش
- ۶۰ کز ماندن دهان آن مرد که نام محمد علیه السلام به تَسْمَن خوانند
- ۶۱ عتاب کردن آتش را آن پادشاهِ جهود
- ۶۲ قصه باد که در عهد هود علیه السلام قوم عاد را هلاک کرد
- ۶۳ طنز و انکار کردن پادشاهِ جهود و قبول ناکردن نصیحتِ خاصانِ خویش
- ۶۵ بیان توکل و ترک جهد گفتن نخچیران به شیر
- ۶۵ جواب گفتن شیر نخچیران را و فایده جهد گفتن
- ۶۵ ترجیح نهادن توکل را بر جهد و اکتساب
- ۶۵ ترجیح نهادن شیر جهد و اکتساب را بر توکل و تسلیم
- ۶۶ ترجیح نهادن نخچیران توکل را بر اجتهاد
- ۶۶ باز ترجیح نهادن شیر جهد را بر توکل
- ۶۷ باز ترجیح نهادن نخچیران توکل را بر جهد
- ۶۸ نگرستن عزرائیل بر مردی و گریختن آن مرد در سرای سلیمان و تفریر (...)
- ۶۹ باز ترجیح نهادن شیر جهد را بر توکل و فواید جهد را بیان کردن
- ۷۰ مقرر شدن ترجیح جهد بر توکل
- ۷۰ انکار کردن نخچیران بر خرگوش در تأخیر رفتن بر شیر
- ۷۰ جواب خرگوش نخچیران را
- ۷۱ اعتراض نخچیران بر سخن خرگوش
- ۷۱ جواب خرگوش نخچیران را

- ۷۲ ذکر دانش خرگوش و بیان فضیلت و منافع دانش
- ۷۳ باز طلبیدن نخچیران از خرگوش سرانداشته او را
- ۷۳ منع کردن خرگوش راز را از ایشان
- ۷۴ قصه مکر خرگوش
- ۷۵ زیافت تاویل و کیک مگس
- ۷۵ تولید شیر از دیر آمدن خرگوش
- ۷۶ هم در بیان مکر خرگوش
- ۷۸ آمدن خرگوش نزد شیر و خشم شیر بر وی
- ۷۹ عذر گفتن خرگوش
- ۸۰ جواب گفتن شیر خرگوش را و روان شدن با او
- ۸۱ قصه هدیه و سلیمان در بیان آنکه چون قضا آید چشم های روشن بسته شود
- ۸۲ طعنه زاع در دعوی هدیه
- ۸۳ جواب گفتن هدیه طعنه زاع را
- ۸۳ قصه آدم علیه السلام و بستن قضا نظر او را از مراعات صریح نهی و ترکی تاویل
- ۸۵ پائی واپس کشیدن خرگوش از شیر چون نزدیک جاه رسید
- ۸۶ پرسیدن شیر از سبب پا واپس کشیدن خرگوش
- ۸۷ نظر کردن شیر در جاه و دیدن حکم خود و از آن خرگوش را در آب
- ۸۹ مزه بردن خرگوش سوی نخچیران که شیر در جاه افتاد
- ۹۰ جمع شدن نخچیران گرد خرگوش و ثنا گفتن او را
- ۹۰ تفسیر رجعتنا من الجهاد الاضمر إلى الجهاد الاکثر
- ۹۱ آمدن رسول روم تا امیرالمؤمنین رضی الله عنه و دیدن او کرامات (...)
- ۹۳ یافتن رسول روم امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه خفته در زیر فخل
- ۹۳ سلام کردن رسول روم امیرالمؤمنین را رضی الله عنه
- ۹۴ سؤال کردن رسول روم از امیرالمؤمنین رضی الله عنه
- ۹۶ اضافت کردن آدم آن زلت را به خویش که ربنا ظلمنا و اضاقت کردن (...)
- ۹۸ تفسیر وهو معکم ایما کتم
- ۹۸ سؤال کردن رسول از عمر رضی الله عنه از سبب ابتلای ارواح با این آب و گلی اجساد
- ۹۹ در سیر آنکه من اراد ان یتجسس مع الله فلیجلس مع اهل التصوف
- ۱۰۰ قصه بازوگان که طوطی او را پیغام داد به طوطیان هندوستان هنگام (...)
- ۱۰۱ صفت اینچه طوطی عقول الهی
- ۱۰۴ هدیدن خواجه طوطیان هندوستان را در دشت و پیغام رسانیدن از آن طوطی
- ۱۰۳ تفسیر قول فریدالدین العطار قدس الله سره

- تعظیم ساحران مر موسی را عَلَيْهِ السَّلام که چه فرمایی اول تو اندازی عصا یا ما ۱۰۴
- بازگفتن بازرگان با طوطی آنچه دید از طوطیان هندوستان ۱۰۵
- شیدن آن طوطی حرکت آن طوطیان و مُردن آن طوطی در قفس و (...) ۱۰۷
- تفسیر قول حکیم ۱۱۱
- رجوع به حکایت خواجه تاجر ۱۱۲
- برون انداختن مرد تاجر طوطی را از قفس و پریدن طوطی مُرده ۱۱۳
- وداع کردن طوطی خواجه را و پریدن او ۱۱۵
- مضرّات تعظیم خلق و انگشت‌نمائی شدن ۱۱۶
- تفسیر مَا شَاءَ اللَّهُ تَائِب ۱۱۷
- داستان پیر چنگی که در عهد عُمر رضی الله عنه از بهر خدا روزی نویی (...) ۱۱۹
- در بیان این حدیث که إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ ذَهْرِكُمْ فَفَعَلَتْ لَأَنْتَهُمْ رُضُوا لَهُا ۱۲۱
- قصّه سزال کردن عایشه رضی الله عنها از مصطفی علیه السلام که امروز (...) ۱۲۴
- تفسیر بیت حکیم ۱۲۵
- در معنی این حدیث که اِغْتَنِمُوا بَرْدَ الرَّيْحِ إِلَى آخِرِهِ ۱۲۶
- پرسیدن صدیقه رضی الله عنها از مصطفی صلعم که سِرِ بارانِ امروزی به چه بود ۱۲۷
- بقیه قصّه پیر چنگی و بیان مَحَلِّهِ آن ۱۲۷
- در خواب گفتن هاتِف مر عُمر را رضی الله عنه که چندین زَر از بیت المال (...) ۱۲۹
- نالدن سونِ حنانه چون برای پیغامبر علیه السلام منبر ساختند که جماعت (...) ۱۳۰
- اظهار معجزه پیغامبر علیه السلام به سخن آمدن سنگریزه در دست (...) ۱۳۲
- بقیه قصّه مطرب و پیغام رسانیدن امیرالمؤمنین عُمر رضی الله عنه با (...) ۱۳۲
- گرداندن عُمر رضی الله عنه نظیر او را از مقام گریه که هیئت به (...) ۱۳۴
- تفسیر دعای آن دو فرشته که هر روز بر سر هر بازاری مُنادی می کنند که اَللّهُمَّ (...) ۱۳۶
- قصّه خلیفه کی در کُرم در زمانِ خود از حاتم طایی گذشته بود و نظیرِ خود نداشت ۱۳۷
- قصّه اعرابی درویش و ماجرای زن او با او به سبب قِلت و درویشی ۱۳۷
- منور شدن مریدان محتاج به مدعیان مَزُور و ایشان را شیخ و مُحَشِّم و (...) ۱۳۸
- در بیان آنکه نادر ائمه که مُریدی در مدعی مَزُور اعتقاد به صدق پندد (...) ۱۳۹
- صبر فرمودن اعرابی زن را و فضیلت صبر و فقر گفتن با زنِ خود ۱۴۰
- نصیحت کردن زن مر شوی را که سخن افزون از قدم و از مقام خود مگو (...) ۱۴۱
- نصیحت کردن مرده مر زن را که در فقران به خواری منگر و در کارِ حق به (...) ۱۴۳
- در بیان آنکه جنبیدن هر کسی از آنجا که ویست هرکس را از جنبه وجود (...) ۱۴۴
- مراعات کردن زن شوهر را و استغفار نمودن از گفته خویش ۱۴۶
- در بیان این خبر که اِنَّهُمْ بَيْنَ الْغَائِلِ وَ بَيْنَ الْجَاهِلِ ۱۴۸

- تسلیم کردن مرده خود را به آنچه التماس زن بود از طلب معیشت و این (...) ۱۲۸
- در بیان آنکه موسی و قریحون هر دو صخره مشیت‌اند چنانکه پازهر و زهر (...) ۱۲۹
- سبب حیرمان اشعیا از در جهان که خسر الدنیا والآخرة (...) ۱۵۰
- حقیر و بی‌خشم دیدن دیده‌های حش صالح و ناقة صالح را، چون خواهد (...) ۱۵۲
- در معنی آن که مَرَجَ الْبَغْرَيْنِ بَلْقِيَايَ بَيْنَهُمَا يَزْدَحُ لَا يَنْبَغِي (...) ۱۵۵
- در معنی آنکه آنچه ولی کند توبه را شاید گستاخی کردن و همان قتل (...) ۱۵۷
- مُخْلِصٌ مَاجِرَای عرب و جفت او (...) ۱۵۷
- دل نهادن حرب بر التماس دلبر خویش و سوگند خوردن که درین تسلیم مرا (...) ۱۵۹
- تعیین کردن زن طریق طلب روزی کدخدای خود را و قبول کردن او (...) ۱۶۱
- هدیه بردن حرب سبوی آب باران از میان بادیه سوی بغداد به امیرالمؤمنین (...) ۱۶۲
- در نمود در دوختن زن حرب سبوی آب باران را و مهر نهادن بر وی از (...) ۱۶۳
- در بیان آنکه چنانکه گدا عاشق کرمست و عاشق کرم کریم هم (...) ۱۶۴
- فرق میان آنکه درویشست به خدا و تشنه خدا و میان آنکه درویشست از (...) ۱۶۵
- پیش آمدن نفیان و دربانان خلیفه از بهر اکرام اهرابی و پذیرفتن هدیه او را (...) ۱۶۶
- در بیان آنکه عاشق دنیا بر مثال عاشق دیواربست که پرو ناپ آفتاب (...) ۱۶۷
- مثل حرب إِذَا زُنِيتْ فَأَوْنٍ بِالْغُرَةِ وَ إِذَا سَرَقَتْ فَأَسْرَقِ الدَّوَةَ (...) ۱۶۸
- سپردن حرب هدیه را یعنی سبوی را به غلامان خلیفه (...) ۱۶۸
- حکایت ماجرای نحوی و کشتیان (...) ۱۶۹
- قبول کردن خلیفه هدیه را و عطا فرمودن با کمال بی‌نیازی از آن هدیه و از آن سبوی (...) ۱۷۰
- در صفت پیر و مطاوعت وی (...) ۱۷۳
- وصیت کردن رسول علیه السلام علی را كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ که چون هر کسی (...) ۱۷۶
- کیبودی زدن قزوینی بر شانگاه صورت شیر و پشیمان شدن او به سبب زخم سوزن (...) ۱۷۷
- رفتن گرگ و روباه در خدمت شیر به شکار (...) ۱۷۸
- امتحان کردن شیر گرگ را و گفتن که پیش آی ای گرگ بخش کن حیدها را میان ما (...) ۱۸۰
- قصه آنکه در یاری یکوقت از درون گفت کیست گفت منم گفت چو تو (...) ۱۸۱
- صفت توحید (...) ۱۸۲
- ادب کردن شیر گرگ را که در قسمت بی‌ادبی کرده بود (...) ۱۸۳
- تهدید کردن نوح علیه السلام مَر قَوْمِ رَاكِهِ بَا مِنْ مِیْجِدِ که من روی (...) ۱۸۴
- نشاندن پادشاهان صوفیان عارف را پیش روی خویش تا چشمتان (...) ۱۸۶
- آمدن مهمان پیش یوسف علیه السلام و تقاضا کردن یوسف ازو تحفه و ارمغان (...) ۱۸۶
- گفتن مهمان یوسف را که آینه آوردمت ارمغان تا هر بار که در وی (...) ۱۸۸
- مرتد شدن کاتب وحی به سبب آنکه پرتو وحی بر او زد آن آیت را (...) ۱۹۰

- دعا کردن یلتم باهوت که موسی و قومش را ازین شهر که حصار داده‌اند (...) ۱۹۳
- اعتماد کردن هاروت و ماروت بر عصمت خویش و آمیزی اهل دنیا (...) ۱۹۵
- بانی قصه هاروت و ماروت و شکال و عقوبت ایشان هم در دنیا به چاه بابل ۱۹۶
- به عیادت رفتن گر بر همسایه و نجوی خویش ۱۹۷
- اول کسی که در مقابله نص قیاس آورد ابلیس بود ۱۹۹
- در بیان آنکه حال خود و منی خود پنهان باید داشت از جاهلان ۲۰۰
- قصه مری کردن و ویمان و چیمان در علم نقاشی و صورتگری ۲۰۲
- پرسیدن پیامبر علیه‌السلام مرزید را امروز چونی و چون برخاستی و (...) ۲۰۲
- منهم کردن غلامان و خواجیه تاشان مر لقمان را کی آن موبه‌های نرونده (...) ۲۰۸
- بقیه قصه زید در جواب رسول علیه‌السلام ۲۰۹
- گفتن پیامبر علیه‌السلام مر زید را که این سیر را قاش تر ازین مگو و متابعت نگاهدار ۲۱۲
- بازگشتن به حکایت زید ۲۱۲
- آتش افتادن در شهر به انعام هنر رضى الله عنه ۲۱۲
- خودتداختن خصم در روی امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه و تداختن علی (...) ۲۱۵
- سؤال کردن آن کافر از علی کرم الله وجهه که چون بر چون منی مظفر شدی (...) ۲۱۸
- جواب گفتن امیرالمؤمنین که سبب افکندن شمشیر از دست چه بود در آن حالت ۲۱۹
- گفتن پیامبر علیه‌السلام به گوش رکابدار امیرالمؤمنین کرم الله وجهه کی (...) ۲۲۱
- تعجب کردن آدم علیه‌السلام از ضلالت ابلیس و عجب آوردن ۲۲۲
- بازگشتن به حکایت امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه و مسامحه کردن او (...) ۲۲۵
- آمدن رکابدار علی کرم الله وجهه که از بهر خفا مرا بکش و ازین قضا یرهان ۲۲۶
- بیان آن که فتح طلبیدن پیامبر علیه‌السلام مکه را و غیر مکه را جهت (...) ۲۲۷
- گفتن امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه با قرین خود کی چون خود (...) ۲۲۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هذا كتاب المشوى وهو أصول أصول أصول الدين، فى كشف أسرار الوصول واليقين، وهو فقه الله الاكبر، وشرع الله الازهر، وبرهان الله الاظهر، مثل نوره كمشكاة فيها مصباح، يشرق إشراقاً أنور من الإضباح، وهو جنان الجنان، ذو الغيون والأغصان، منها عين تسمى عند أبناء هذا السبيل سلسيلاً، وعند اصحاب المقامات والكرامات خير مقاماً وأحسن مقيلاً، الأبرار فيه يأكلون ويشربون، والأحرار منه يفرحون ويطربون، وهو كئيل مضر شراب للصابرين، وحسرة على آل فرعون والكافرين، كما قال يفضل به كثيراً ويهدى به كثيراً، وأنه شفاء الصدور وجلاء الأحزان، وكشاف القرآن، وسعة الأرزاق،

و تطيب الأخلاق، بأيدي سَفَرَةٍ كِرَامٍ بَرَرَةٍ يَمْنَعُونَ أَنْ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا
الْمُطَهَّرُونَ، لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ، وَاللَّهُ يَرصده و
يرقبه و هو خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَلَهُ أَلْقَابٌ أُخْرُ لَقِبَهُ اللَّهُ
تعالى، واقتصرنا على هذا القليل و القليل يدل على الكثير، والجرجرة
تدل على الغدير، والحفنة تدل على البَيْدَر الكبير، يقول العبد
الضعيف المحتاج الى رحمة الله تعالى محمد بن محمد بن الحسين
الْبَلْخِي تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْهُ اجْتَهَدْتُ فِي تَطْوِيلِ الْمَنْظُومِ الْمَشْنُوعِ الْمَشْتَمَلِ
على الغرائب و النوادر و غُرَرِ الْمَقَالَاتِ، وَ دُرَرِ الدَّلَالَاتِ، وَ طَرِيقَةِ
الزَّهَادِ وَ حَدِيقَةِ الْعِبَادِ، قَصِيْرَةِ الْمَبَانِي، كَثِيْرَةِ الْمَعَانِي، لَا اسْتِعَاءَ
سَيِّدِي وَ سَنَدِي، وَ مَعْتَمِدِي، وَ مَكَانِ الرُّوحِ مِنْ جَسَدِي، وَ ذَخِيْرَةِ
يَوْمِي وَ عَدِي، وَ هُوَ الشَّيْخُ قَدْوَةُ الْعَارِفِينَ، وَ إِمَامُ أَهْلِ الْهُدَى وَ الْيَقِيْنِ،
مَغِيْثُ الْوَرَى، أَمِيْنُ الْقُلُوبِ وَ النُّهَى، وَ دِيْعَةُ اللَّهِ بَيْنَ خَلِيْفَتِهِ، وَ صَفْوَتِهِ
فِي بَرِيَّتِهِ، وَ وَصَايَاهُ لِنَبِيِّهِ، وَ خُبَايَاهُ عِنْدَ صَفِيِّهِ، مِفْتَاحُ خَزَائِنِ الْعَرْشِ،
أَمِيْنُ كَنْوَزِ الْفَرَشِ، أَبُو الْفَضَائِلِ حُسَامُ الْحَقِّ وَ الدِّينِ حَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ
الْحَسَنِ الْمَعْرُوفِ بِابْنِ أَخِي تُرْكٍ أَبُو يَزِيدَ الْوَقْتُ جُنَيْدُ الزَّمَانِ صَدِيقُ
ابْنِ صَدِيقِ ابْنِ الصَّدِيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ عَنْهُمْ الْأَزْمَوِيُّ الْأَصْلُ
الْمُنْتَسِبُ إِلَى الشَّيْخِ الْمَكْرَمِ بِمَا قَالَ أَمْسَيْتُ كُرْدِيًّا وَ أَصْبَحْتُ عَرَبِيًّا

قَدَسَ اللهُ رُوحَهُ وَأَرْوَاحَ أَخْلَافِهِ فَنِعْمَ السَّلَفُ وَنِعْمَ الْخَلَفُ، لَهُ
نَسَبُ أَلَقَّتِ الشَّمْسُ عَلَيْهِ رِذَاءَهَا، وَحَسَبُ أَرْخَتِ النُّجُومُ لَدَيْهِ
أَضْوَاءَهَا، لَمْ يَزَلْ فِتَاءَهُمْ قَبْلَةَ الْإِقْبَالِ يَتَوَجَّهُ إِلَيْهَا بَنُو الْوُلَاةِ، وَكَعْبَةُ
الْأَمَالِ يَطُوفُ بِهَا وَفُودُ الْعَفَاةِ، وَلَا زَالَ كَذَلِكَ مَا طَلَعَ نَجْمٌ وَذَرَّ شَارِقٌ
لِيَكُونَ مَعْتَصِماً لِأُولَى الْبَصَائِرِ الرَّبَّانِيِّينَ الرُّوحَانِيِّينَ السَّمَائِيِّينَ
الْعَرْشِيِّينَ التَّوْرِيِّينَ، الشُّكُوتِ النُّظَارِ، الْغُيِّبِ الْخُضَارِ، الْمُلُوكِ
تَحْتَ الْأَطْمَارِ، أَشْرَافِ الْقِبَائِلِ، أَصْحَابِ الْفَضَائِلِ، أَنْوَارِ الدَّلَائِلِ، آمِينَ
يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَهَذَا دَعَاءٌ لَا يُرَدُّ فَإِنَّهُ دَعَاءٌ لِأَصْنَافِ الْبَرِيَّةِ شَامِلٌ،
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.